

متن پرسش

با سلام و خسته نباشید. استاد گرامی سوالی از محضرتان داشتم: قوانین خداوند قاعدتا نبايستيا ذات و طبيعت انسانها در تضاد باشند اما قانون چند همسری در اسلام برای مردان حقیقتاً برای زن قابل هضم نیست. و آدم بخود می گوید آخر چرا خداوند قانونی را وضع کرده که یک زن هرچقدر هم مومن و متشرع در عمق دلش نمیتواند با این مسئله کنار بیاید و در صورت مواجه شدن با چنین شرایطی دلش از این مسئله عمیقاً می شکند. ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: متأسفانه در ایران فرهنگ چندهمسری به هم خورد، به خصوص از طرف مردان که نتوانسته‌اند حقوق همسران خود را درست اداء کنند و با آمدن همسر جدید، همسر اصلی خود را به نحوی فراموش می‌کنند. در حالی که باید فراموش نکرد مردان وقتی باید همسر دومی اختیار کنند که بخواهند به آن همسر دوم کمک نمایند که بی‌سامان نباشد و اصل، بر رعایت حقوق و شخصیت همسر اول باشد. حتی در همسر صیغه‌ای باید فراموش نکنند مسؤول لباس و غذا و مسکن همسر اول هستند و هیچ‌یک از این حقوق برای آن کسی که به جهت کمک به زندگی او در عقد موقت خود در آورده‌اند مطرح نیست، حتی اگر رعایت حقوق جنسی همسر اصلی خود را نکنند معاقب هستند. آیا اگر آن‌چه اسلام می‌گفت رعایت می‌شد، زنان متدین این‌چنین احساس نگرانی می‌کردند؟ یا این‌که خودشان کمک می‌کردند تا یک زن یا یک خانواده‌ی دیگر را هم در زیر پوشش بگیرند؟ رسول خدا «صلى الله عليه وآله» می‌فرمایند: «خِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ» لَيْسَ بَيْنَهُنَّ أَحَدٌ إِلَّا وَبَيْنَهُنَّ كِسْفٌ مِنْ نَارٍ. یعنی بهترین شما کسانی هستند که برای زنانشان بهترین باشند. در رابطه با تعلق خاطر به همسر اول در روایت داریم «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ يَسَامُ مِنْ ثَنَاءٍ عَلَيْهَا وَ اسْتِغْفَارٍ لَهَا فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَةَ فَقُلْتُ لَقَدْ عَوَّضَكَ اللَّهُ مِنْ كَبِيرَةِ السِّنِّ قَالَتْ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا فَسَقَطْتُ فِي يَدِي» فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ أَذْهَبْتَ بِغَضَبِ رَسُولِكَ (ص) لَمْ أَعُدْ لِذِكْرِهَا بِسُوءٍ مَا بَقِيَتْ. قَالَتْ: فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا لَقِيَتْ قَالَ كَيْفَ قُلْتِ وَ اللَّهُ لَقَدْ آمَنَتْ بِي إِذْ كَفَرَ النَّاسُ وَ آوَتْنِي إِذْ رَفَضَنِي النَّاسُ وَ صَدَّقْتَنِي» إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ» عایشه روایت کند که رسول الله (ص) گاه و بیگاه از خدیجه یاد می‌کرد و از یاد و مدح او و استغفار برای او خسته نمی‌شد. یک روز که او را یاد کرد ناراحت شده و گفتم که خدای تعالی پیرزن بزرگ سالی را برد و عوض او را به تو داد، دیدم که آن حضرت سخت غضب کردند، من هول نموده و گفتم: بار خدایا اگر تو این غضب را از رسول الله ببری من تا زنده ام دیگر او را

به‌بدی یاد نمی‌کنم ، چون آن حضرت آن سخن مرا مشاهده فرمود گفت: چه گفتی؟ و الله که او به‌من ایمان آورد وقتی که مردم کافر بودند، و جای داد مرا وقتی که مردم مرا رها کردند، و تصدیق کرد مرا در وقتی که مردم قول مرا دروغ می‌پنداشتند.